

معنی کلمات درس هشتم عربی دهم

مُجَرَّب: آزموده	سَلَّ: بپرس (اسأل)	آتَى، آتٍ: آینده، در حال آمدن
مَحَامِد: ستایش‌ها	شَاءَ: خواست	إِسْتَعَاثَ: کمک خواست
مَرَّرَ: تلخ کرد	شَكَوْتُ: شکایت کردم «إِنْ شَكَوْتُ: اگر شکایت کنم»	بَدِيعَ: نو (برای نخستین بار)
مَصَانِعَ: آب انبارهای بیابان	شَمَّ: بویید «شَمَمْتُ: بوییدی»	بُعْدَ: دوری
مَلِيحَ: با نمک	عَجِبَ: خمیر	جَرَّبَ: آزمایش کرد
مَمزُوجَ: درآمیخته	عُدَاهُ: دشمنان «مفرد: عادی»	حَلَّ: فرود آمد
نُحْنُ: شیون کردند ← نَحَ	عَشِيَّةَ: آغاز شب	ذَاقَ: چشید
وَدَّ: عشق	عَدَاهُ: آغاز روز	دَنَا: نزدیک شد
وَصَفَ: وصف کرد	فَلَوَاتَ: بیابان‌ها «مفرد: فَلَاهُ»	رَجَا: امید داشت
وُكِّنَاتَ: لانه‌ها	قَدْ تُفْتَشُ: گاهی جست‌وجو می‌شود	رَضِيَ: راضی شد
هَامَ: تشنه و سرگردان شد	قُرْبَ: نزدیکی	رُفَاتَ: استخوان پوسیده
هَجَرَ: جدایی گزید، جدا شد	كَأْسَ: جام، لیوان	رَكِبَ: کاروان شتر یا اسب سواران

جواب درست نادرست صفحه ۱۱۰ عربی دهم

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

با توجه به متن درس درست و نادرست را مشخص کنید.

۱- لَيْسَ لِحَافِظٍ وَ سَعْدِي مَلَمَعَاتٍ جَمِيلَةً ❌. نادرست
معنی: حافظ و سعدی ملمعات زیبایی ندارند.

۲- يَرَى حَافِظُ الدَّهْرِ مِنْ هَجْرِ حَبِيبِهِ كَالْقِيَامَةِ ✅. درست
معنی: حافظ روزگار را از دوری محبوبش مانند قیامت می بیند.

۳- يَرَى حَافِظٌ فِي بُعْدِ حَبِيبِهِ رَاحَةً وَ فِي قُرْبِهِ عَذَاباً ❌. نادرست
معنی: حافظ در دوری محبوبش راحتی و در نزدیک بودن او عذاب می بیند.

۴- يَرَى سَعْدِي اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ سَوَاءً مِنْ هَجْرِ حَبِيبِهِ ✅. درست
معنی: سعدی از دوری محبوبش شب و روز را یکسان می بیند.

۵- قَالَ سَعْدِي: «مَضَى الزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ لَا تَأْتِي» ❌. نادرست
معنی: سعدی گفته است زمان گذشت و دلم می گوید که تو نمی آیی.

جواب و معنی صفحه ۱۱۲ عربی دهم

اخْتَبَرْتُ نَفْسَكَ

❑ تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ وَ الدُّعَاءَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ.
کلمات زیر و دعا را ترجمه کنید، سپس مفعول و فاعل را انتخاب کنید.

اسْمُ الْمَفْعُولِ	اسْمُ الْفَاعِلِ	التَّرْجَمَةُ	الْكَلِمَةُ
✅	-	یاد داده شده	مُعَلِّمٌ يُعَلِّمُ: یاد می دهد
-	✅	دانا، داننده	عَالِمٌ يَعْلَمُ: می داند
-	✅	پیشنهاد کننده	مُقْتَرِحٌ اقْتَرَحَ: پیشنهاد کرد
✅	-	آماده شده	مُجَهِّزٌ يُجَهِّزُ: آماده می کند
✅	-	زده شده	مَضْرُوبٌ ضَرَبَ: زد
-	✅	یاد گیرنده	مُتَعَلِّمٌ يَتَعَلَّمُ: یاد می گیرد

یا صانعِ کُلِّ مَصْنوعٍ یا خالقِ کُلِّ مَخْلُوقٍ یا رازِقِ کُلِّ مَرْزُوقٍ یا مالِکِ کُلِّ مَمْلُوکٍ. مِنْ دُعَاءِ الْجُوشَنِ الْکَبِیرِ
معنی: ای سازنده هر ساخته شده! ای آفریننده هر آفریده شده! ای روزی دهنده هر روزی داده شده! ای مالک هر ملک و دارایی!

جواب و معنی صفحه ۱۱۳ عربی دهم

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ

ترجم التَّراکِیبِ التَّالِیَةِ.

ساختارهای زیر را ترجمه کنید.

﴿عَلَامُ الْغُیُوبِ﴾ : بسیار داننده‌ی غیب‌ها	﴿أَمَارَةٌ بِالسَّوْءِ﴾ : بسیار امر کننده به بدی
﴿سَاحِرُ كَذَّابٍ﴾ : جادوگر بسیار دروغ گو	﴿الْخَلَّاقُ الْعَلِیمُ﴾ : بسیار آفریننده دانا
الطَّيَّارُ الْإِیرَانِیُّ : خلبان ایرانی	﴿حَمَّالَةُ الْحَطَبِ﴾ : حمل کننده هیزم
الْهَاتِفُ الْجَوَّالُ : تلفن همراه	﴿لِکُلِّ صَبَّارٍ﴾ : برای هر بسیار شکیبا(صبرکننده ای).
فَتَّاحَةُ الرَّجَاجَةِ : باز کننده شیشه	رَسَامُ الصُّوْرِ : بسیار رسم کننده تصویر

معنی حوار صفحه ۱۱۴ عربی دهم

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

شِراءُ شَرِیحَةِ الْهَاتِفِ الْجَوَّالِ

خرید سیم کارت تلفن همراه

مَوْظَفُ الْإِتِّصَالَاتِ : کارمند مخابرات	الرَّائِزَةُ : زیارت کننده
تَفَضَّلْی، وَ هَلْ تُرِیدِینَ بِطَاقَةَ الشَّحْنِ؟ بفرما، و آیا کارت شارژ می‌خواهی؟	رَجَاءُ، أَعْطِنِی شَرِیحَةَ الْجَوَّالِ. لطفاً، به من سیم کارت تلفن همراه بده.

نَعَمْ؛ مِنْ فَضْلِكَ أَعْطِنِي بِطَاقَةٍ بِمَبْلَغِ خَمْسَةِ وَ عَشْرِينَ رِيَالاً. بله؛ لطفاً به من شارژ به مبلغ ۲۵ ریال بده.	تَسْتَطِيعِينَ أَنْ تَشْحَنِي رَصِيدَ جَوَالِي عَبْرَ الْإِنْتَرْنِت. می‌توانی تلفن همراهت را از طریق اینترنت شارژ کنی.
تَشْتَرِي الزَّائِرَةَ شَرِيحَةَ الْجَوَالِ وَ بِطَاقَةَ الشَّحْنِ زائر سیم‌کارت تلفن همراه و کارت شارژ می‌خرد وَ تَضَعُ الشَّرِيحَةَ فِي جَوَالِهَا وَ تُرِيدُ أَنْ تَتَّصِلَ وَلَكِنْ لَا يَعْمَلُ الشَّحْنُ، و سیم کارت را در تلفن همراه می‌گذارد و می‌خواهد که تماس بگیرد ولی شارژ کار نمی‌کند فَتَذْهَبُ عِنْدَ مَوْظَفِ الْإِتِّصَالَاتِ وَ تَقُولُ لَهُ: پس نزد کارمند مخابرات می‌رود و به او می‌گوید:	
عَفْوَاً، فِي بِطَاقَةِ الشَّحْنِ إِشْكَالٌ. ببخشید، کارت شارژ مشکل دارد.	أَعْطِنِي الْبِطَاقَةَ مِنْ فَضْلِكَ. سَامِحِينِي؛ أَنْتِ عَلَى الْحَقِّ. أَبَدِّلْ لِي الْبِطَاقَةَ. لطفاً کارت را به من بده. مرا ببخش، حق با توست. کارت را برایت عوض می‌کنم.

جواب تمرین صفحه ۱۱۵ درس ۸ عربی دهم

♦ تمرین یک _ الاول

□ عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ.
جمله درست و نادرست را بر اساس حقیقت و واقعیت شناسایی کنید.

۱- الْكَأْسُ زُجَاجَةٌ يُشْرَبُ مِنْهَا الْمَاءُ أَوْ الشَّائِ أَوْ الْقَهْوَةُ. درست ✓
معنی: جام (لیوانی) شیشه‌ای است که در آن آب یا چای یا قهوه نوشیده می‌شود.

۲- يُمَكِّنُ شِرَاءَ الشَّرِيحَةِ مِنْ إِدَارَةِ الْإِتِّصَالَاتِ. درست ✓
معنی: خریدن سیم کارت از اداره مخابرات امکان دارد.

۳- الرَّاسِبُ هُوَ الَّذِي مَا نَجَحَ فِي الْإِمْتِحَانَاتِ. درست ✓
معنی: مردود همان کسی است که در امتحانات قبول نشده است.

۴- غُصُونُ الْأَشْجَارِ فِي الرَّبِيعِ بَدِيعَةٌ جَمِيلَةٌ. درست ✓
معنی: شاخه‌های درختان در بهار نو و زیبا هستند.

۵- يُصْنَعُ الْخُبْزُ مِنَ الْعَجِينِ. درست ✓
معنی: نان از خمیر درست می‌شود.

♦ تمرین دوم_ الثانی

□ ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَانِدَتَانِ»

یک کلمه مناسب از کلمات زیر را در جای خالی قرار دهید. “دو کلمه اضافی”

الْفَلَوَاتِ = بیابان، صحرا / بُعِدَ = راه دور / وُدَّ = دوستانه، دوستی / مَصَانِعُ = انبار های آب / بَدَّلَ = عوض کن / فَتَشَ = جستجو ، گشتن / اللَّيْلِ = شب / يَرْضَى = راضی می‌شود

۱ - اَلْعُدَاهُ بِدَايَةِ النَّهَارِ وَ الْعَشِيِّ بِدَايَةِ اللَّيْلِ.

معنی: (غده:صبحگاه) ابتدای روز است و (عشیه: شامگاه) شروع شب است.

۲ - رَأَيْنَا الشَّاطِئَ عَنْ بُعْدِ عَبْرِ الطَّرِيقِ.

معنی: در مسیر (راه) ساحل را از دور دیدیم.

۳ - رَجَاءٌ بَدَّلَ هَذَا الْقَمِيصَ؛ لِأَنَّهُ قَصِيرٌ.

معنی: لطفاً این پیراهن را عوض کن، برای اینکه آن کوتاه است.

۴ - فِي الْفَلَوَاتِ لَا تَعِيشُ نَبَاتَاتٌ كَثِيرَةٌ.

معنی: در بیابان ها گیاهان زیادی زندگی نمی‌کنند.

۵ - اَلشَّرْطِيُّ فَتَشَ حَقَائِبَ الْمُسَافِرِينَ.

معنی: پلیس کیف‌های مسافران را گشت.

۶ - أَخَى قَانِعٌ، يَرْضَى بِطَعَامٍ قَلِيلٍ.

معنی: برادرم قانع است به غذایی اندک راضی می‌شود.

جواب تمرین صفحه ۱۱۶ درس ۸ عربی دهم

♦ تمرین سوم _ الثالث

□ تَرْجِمِ التَّرَاكِبَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ وَ اسْمَ الْمُبَالِغَةِ.

ترکیب های زیر را ترجمه کنید، سپس اسم فاعل، اسم مفعول و اسم اغراق شده را مشخص کنید.

۱- يا عَلَامَ الْغُيُوبِ : ای بسیار داننده‌ی غیب‌ها عَلَامَ: اسم مبالغه	۲- يا سَتَّارَ الْغُيُوبِ: ای بسیار پوشاننده عیب‌ها سَتَّارَ: اسم مبالغه
۳- يا غَفَّارَ الذَّنُوبِ: ای بسیار آمرزنده‌ی گناهان غَفَّارَ: اسم مبالغه	۴- يا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ: ای بالا برنده‌ی درجه‌ها رافِعَ: اسم فاعل

۶- یا غَافِرَ الْخَطَايَا : ای آمرزنده‌ی اشتباهات غَافِرَ: اسم فاعل	۵- یا سَامِعَ الدُّعَاءِ : ای شنونده‌ی دعا سَامِعَ: اسم فاعل
۸- یا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ : ای کسی که نیکوکاران را دوست میدارد (میداری) مُحْسِنِينَ: اسم فاعل	۷- یا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ : ای پوشاننده‌ی هر معیوبی سَاتِرَ: اسم فاعل مَعْيُوبٍ: اسم مفعول
۱۰- یا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِلطَّالِبِينَ: ای آنکه درگاهش برای طلب‌کنندگان باز است. طَّالِبِينَ: اسم فاعل مَفْتُوحٌ: اسم مفعول	۹- یا خَيْرَ حَامِدٍ وَ مَحْمُودٍ: ای بهترین ستایش‌کننده و ستایش‌شده‌ای حَامِدٍ: اسم فاعل مَحْمُودٍ: اسم مفعول

♦ تمرین چهارم_ الرابع

■ ضَعُ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةً وَاحِدَةً زَائِدَةً.»

عدد مناسب را در دایره قرار دهید. "یک کلمه اضافی".

این بازی است

۱- الرُّكْبُ

۲- الْكِرَامَةُ

۳- الْوَكْرُ

۴- الْهَجْرُ

۵- السَّوَارُ

۶- الْمَلِيحُ

سوارها

برامت

دایره

دوری محرابی

دستبند

مانند

معنی در زیر

دور شدن دوست از درشتن یا شتر از همسرش

۴- إِبْتَعَادُ الصَّدِيقِ عَنِ صَدِيقِهِ أَوْ الزَّوْجِ عَنِ زَوْجَتِهِ.

او کسی است که حرکات زیبا و لطیفی زیبا دارد.

۶- هُوَ الَّذِي لَهُ حَرَكَاتٌ جَمِيلَةٌ وَ كَلَامٌ جَمِيلٌ.

زینتی است از طلا یا نقره در دست زن.

۵- زِينَةٌ مِنَ الذَّهَبِ أَوْ الْفِضَّةِ فِي يَدِ الْمَرْأَةِ.

بزرگی و بزرگی و عزت نفس

۲- شَرَفٌ وَ عِظَمَةٌ وَ عِزَّةٌ النَّفْسِ.

خانه پرندگان

۳- بَيْتُ الطَّيُورِ.

۱- الرُّكْبُ (کلمه اضافی)

معنی: کاروان شتر یا اسب سواران

۲- الْكِرَامَةُ: شَرَفٌ وَ عِظَمَةٌ وَ عِزَّةٌ النَّفْسِ. ۴)

معنی: بزرگی و بزرگواری: شرف و بزرگی و عزت «شکست ناپذیری» نفس

۳- أَلَوْكُرُ: بَيْتُ الطُّيُورِ (۶)

معنی: لانه: لانه‌ی پرندگان

۴- أَلَهَجَرُ: ابْتِعَادُ الصَّدِيقِ عَنْ صَدِيقِهِ أَوْ الزَّوْجِ عَنْ زَوْجَتِهِ (۵)

معنی: دوری: دور شدن دوست از دوستش یا شوهر از زنش.

۵- أَلَسَيَّوَارُ: زِينَةُ مِنَ الذَّهَبِ أَوْ الْفِضَّةِ فِي يَدِ الْمَرَأَةِ (۲)

معنی: دستبند: زینتی از جنس طلا یا نقره در دست زن.

۶- أَلْمَلِیْحُ: هُوَ الَّذِي لَهُ حَرَكَاتٌ جَمِيلَةٌ وَ كَلَامٌ جَمِيلٌ (۳)

معنی: با نمک: او کسی است که حرکات و کلامی زیبا دارد.

جواب تمرین صفحه ۱۱۷ درس ۸ عربی دهم

♦ تمرین پنجم _ الخامس

📖 تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

احادیث را ترجمه کنید، سپس مشخص کنید چه چیزی از شما خواسته شده است.

۱- مَنْ قَالَ أَنَا عَالِمٌ فَهُوَ جَاهِلٌ.

معنی: هر کس بگوید من دانا هستم پس او نادان است.

عَالِمٌ / جَاهِلٌ = اِسْمُ الْفَاعِلِ از مجرد

۲- سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ.

معنی: رئیس قبیله خدمتگزار آنها در سفر است.

فِي السَّفَرِ = أَلْجَارُ وَ الْمَجْرُورُ از فعل مجرد

۳- عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ.

معنی: دانایی که از علمش بهره‌مند می‌شود از هزار عبادت‌کننده بهتر است.

(يُنْتَفَعُ: أَلْفَعْلُ الْمَجْهُولُ، / هـ و عابِدٍ: الْمُضَافُ إِلَيْهِ)

۴- أَلْجَلِيسُ الصَّالِحِ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ، وَ الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنَ جَلِيسِ السَّوِّءِ.

معنی: همنشین نیکوکار بهتر از تنهایی است و تنهایی بهتر از همنشین بد است.

(الْمُبْتَدَأُ: أَلْجَلِيسُ وَ الْوَحْدَةُ / الْخَبَرُ: خَيْرٌ وَ خَيْرٌ)

۵- كَاتِمُ الْعِلْمِ، يَلْعَنُهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْحَوْثُ فِي الْبَحْرِ، وَالطَّيْرُ فِي السَّمَاءِ.

معنی: پنهان کننده‌ی دانش، هر چیزی حتی ماهی (- بزرگ) در دریا و پرنده‌ی در آسمان او را لعنت می‌کند.

(اِسْمُ الْفَاعِلِ: كَاتِمٌ / أَلْجَارُ وَ الْمَجْرُورُ: فِي الْبَحْرِ، فِي السَّمَاءِ)

جواب تمرین صفحه ۱۱۸ درس ۸ عربی دهم

♦ تمرین ششم _ السادس

📖 تَرْجِمِ الْآيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنةِ.

آیه و روایات را ترجمه کنید، سپس محل عطف کلمات رنگی را مشخص کنید.

۱- ﴿لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾

معنی: کسی جز خدا نهان را در آسمان ها و زمین نمیداند.

مَنْ: فاعل – اسم موصول مبنی محلا مرفوع

الْغَيْب: مفعول منصوب

۲- اَلْأَسْكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ.

معنی: سکوت طلاست و سخن گفتن نقره است.

ذَهَبٌ: خبر مرفوع

الْكَلَامُ: مبتدا مرفوع

۳- اَلْكَتُبُ بِسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ .

معنی: کتاب ها باغ های دانشمندان هستند.

بِسَاتِينُ: خبر مرفوع

الْعُلَمَاءِ: مضاف الیه مجرور

۴- ثَمَرَةُ الْعَقْلِ مُدَارَاهُ النَّاسِ .

معنی: میوه ی عقل مدارا کردن با مردم است.

الْعَقْلُ: مضاف الیه مجرور

النَّاسِ: مضاف الیه مجرور

۵- زَكَاةُ الْعِلْمِ تَشْرُهُ.

معنی: زکات دانش گسترش آن است.

زَكَاةُ: مبتدا مرفوع

تَشْرُ: خبر مرفوع

جواب انوار القرآن صفحه ۱۱۹ درس هشتم عربی دهم

■ كَمَلِ الْفَرَاعَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ.

جاهای خالی ترجمه فارسی را پر کنید.

مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِينَ: از صفات مؤمنان

۱- ﴿وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ﴾

و کسانی که از گناهان بزرگ و کارهای زشت دوری می کنند، و هنگامی که خشمگین می شوند می بخشایند.

۲- ﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ﴾

و کسانی که [خواستۀ] پروردگارشان را برآوردند و نماز را برپا داشتند؛

۳- ﴿وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ﴾

و در کارشان میان آنها مشورت هست؛

۴- ﴿وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾

و از آنچه به آنان روزی دادیم انفاق می کنند.

۵- ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ﴾
و کسانی که هرگاه به آنان ستم شود، یاری می‌جویند؛

۶- ﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا﴾
و سزای بدی، بدی مانند آن است؛

۷- ﴿فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ﴾
پس هرکس درگذرد و اصلاح کند، پاداش او بر [عهده] خداست؛

۸- ﴿إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾
زیرا او ستمگران را دوست ندارد.

معنی صفحه ۱۲۰ عربی دهم

أَيُّهَا الزُّمَلَاءُ؛

ای هم شاگردیان.

إِلَى اللَّقَاءِ، نَنْتَظِرُكُمْ فِي الصَّفِّ الْحَادِي عَشَرَ؛

خدا حافظ در کلاس یازدهم منتظر شما هستیم.

حَفِظَكُمْ اللَّهُ؛ فِي أَمَانِ اللَّهِ؛

خداوند شما را حفظ کند؛ در امان خدا؛

مَعَ السَّلَامَةِ.

خدا نگهدار